



ORIGINAL RESEARCH PAPER

A Reflection on the Views of Constitutional Law Experts on the Rights and Freedoms of the Nation

Ali Mashhadi ¹, Ali Daraee^{*2}

Received:

15 Dec 2025

Revised:

21 Feb 2026

Accepted:

19 Apr 2026

Available Online:

23 Sep 2026

Keywords:

Freedom,
Democratic values,
Nation's Rights,
Constitutional
Experts, Detailed
Negotiations.

Abstract

The constitution has two fundamental values: regulation and legal limitation of political power and guaranteeing human rights and freedoms. The basic rights and freedoms of citizens can also be considered the democratic values of the constitution from one point of view. In this article, the authors, using the analytical and descriptive method and using library sources, have tried to explore the various interpretations of the detailed discussion of the Parliament's final review of the 1358 Constitution during the discussion and approval of the relevant principles of the Constitution. have with the mentioned concepts. The basic question is, what was the opinion and attitude of the members of the Assembly of Experts of the 1358 Constitution on the rights and freedoms of the nation? The basic premise of this article in response to the main question is that although the concepts of freedom and human rights have been accepted in the detailed text of the negotiations and the constitution in general, the special circumstances of the 1358 caused a moral understanding of the concept of freedom and It has the rights of the nation and the human rights are accepted according to the conditions of Islamic standards. Moral freedom looks at human freedoms from the point of view of values and dos and don'ts, but fair freedom considers the existence of sufficient legal opportunities necessary for people to enjoy their freedoms and does not care about values. The theoretical basis of the nation's rights is also the universal human rights hypotheses, which have been compared with the opinions of constitutional law experts.

1* Professor, Department of law, University of qom, Iran. (Corresponding Author) Email:Droitenviro@gmail.com

2 M.A of Public Law, University of Tabriz .Tabriz, Iran.

Please Cite This Article As: Mashhadi, A & Daraee, A (2026). "A Reflection on the Views of Constitutional Law Experts on the Rights and Freedoms of the Nation". *Interdisciplinary Legal Research*, 7(3): 47-58.



This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0)

مقاله پژوهشی

(صفحات ۴۷-۵۸)

تأملی بر برداشت‌های خبرگان قانون اساسی از حقوق و آزادی‌های ملت

علی مشهدی^{۱*}، علی دارایی^۲

۱. استاد حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسؤول)

۲. کارشناس ارشد حقوق عمومی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۲۴ ویرایش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۲ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۳۰ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

چکیده

قانون اساسی واجد دو ارزش بنیادین تنظیم و تحدید حقوقی قدرت سیاسی و تضمین حقوق و آزادی‌های بشری است. حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان نیز از یک منظر می‌تواند ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی قلمداد شود. در نوشتار حاضر، نگارندگان با روش تحلیلی و توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، درصدد آن برآمده‌اند تا کاوشی در برداشت‌های گوناگون صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی ۱۳۵۸ در خلال گفتگو و تصویب اصول مرتبط قانون اساسی با مفاهیم مذکور داشته باشند. سؤال اساسی این است که اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی ۱۳۵۸ چه برداشت و نگرشی بر حقوق و آزادی‌های ملت داشتند؟ فرض اساسی این مقاله در پاسخ به سؤال اصلی این است که گرچه مفاهیم آزادی و حق‌های انسانی در متن مشروح مذاکرات و نیز قانون اساسی به‌طور کلی پذیرفته شده‌اند، لکن اقتضای خاص شرایط مقطع ۱۳۵۸ باعث شد، اغلب برداشتی اخلاقی از مفهوم آزادی و حقوق ملت داشته و حقوق بشر نیز با شروط موازین اسلامی مقبول افتد. آزادی اخلاقی از منظر ارزشی و بایدها و نبایدها به آزادی‌های انسانی می‌نگرد، اما آزادی عادلانه وجود فرصت‌های قانونی کافی را برای برخورداری افراد از آزادی‌ها لازم می‌داند و عنایتی به ارزش‌ها ندارد. مبنای تئوریک حقوق ملت نیز فرضیه‌های حقوق بشری عام‌الشمول است که با دیدگاه‌های خبرگان قانون اساسی نسبت سنجی شده است.

کلمات کلیدی: آزادی، ارزش‌های دموکراتیک، حقوق ملت، خبرگان قانون اساسی، مشروح مذاکرات.

۱- بیان مسأله

بیان حقوق و آزادی‌ها ملت، مهم‌ترین بخش قوانین اساسی است که به «حقوق اساسی جوهری» یا آزادی‌گرا نیز تعبیر شده است (Favoreu, 2016: 925; Favoreu, 1990: 71-89). این موضوع به جد مورد توجه مدونان قانون اساسی از جمله شهید بهشتی بوده است (مشهدی و جلیلی، ۱۳۹۸: ۱۶۱؛ مشهدی و جلیلی، ۱۳۹۴: ۹۳). شروع مذاکرات قانون اساسی نیز از مهم‌ترین منابع استخراج و فهم ذهنیت خبرگان تدوین قانون اساسی ۱۳۵۸ محسوب می‌شود که از طریق مطالعه آن نه تنها می‌توان اراده‌های قانون‌گذاران اساسی را در زمینه موضوعات مدنظر دریافت نمود، بلکه می‌توان اراده مردمی را که مهر تأییدی به مثابه تصویب نهایی در همه‌پرسی قابلیت اجرایی به آن بخشیده‌اند را نیز از دل آن بیرون کشید (واعظی، ۱۳۸۳: ۱۸۶). گرچه زمینه‌های فکری متنوعی در قرون اخیر موجد مفاهیم گوناگون قانون اساسی بودند (قاضی، ۱۳۷۵: ۳۶)، لیکن گراف نیست اگر تصریح و تضمین حق‌ها و آزادی‌های اساسی شهروندان را در قانون اساسی از ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی بدانیم، چراکه از یک طرف، آزادی و حقوق ملت از منظر فلسفه حقوق جزو مبانی ماهوی حاکمیت قانون شمرده می‌شود (مرکز مالیری، ۱۳۹۶: ۸۹). از طرف دیگر، تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندان (جدا از تنظیم قدرت سیاسی) از کار ویژه‌های بنیادین هر قانون اساسی قلمداد می‌گردد (هاشمی، ۱۳۸۲، ۷۷).

مشروح مذاکراتی که منتهی به تصویب قانون اساسی هر ملت می‌شود، بایستی ارتباط پیوسته و وثیقی با عنصر بنیادین قانون اساسی که تعیین و تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندان داشته باشد و از این حیث حقوق و آزادی افراد لازم است که به‌طور شایسته و بایسته در قانون اساسی که در رأس هر نظام حقوقی قرار دارد و به تبع آن باید در کلیه قوانین و مقررات عادی سرازیر شود، گنجانده شود (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۱۲۲). بدین ترتیب، تقریباً روشن است که بررسی و ارزیابی گرایش‌های مختلف فکری خبرگان قانون اساسی علاوه بر آنکه به شناخت انواع برداشت‌های خبرگان قانون اساسی به وجه دموکراتیک قانون اساسی یاری می‌رساند و گستره معنایی و حدود و ثغور قلمرو آزادی و حقوق ملت موجود در قانون اساسی درک می‌شود، از چگونگی اعمال و اجرای حق‌ها و آزادی‌های بشری در دوران کنونی و عرف حقوق اساسی امروز رفع ابهام می‌کند.

سال ۱۳۵۸ قانون اساسی به تازگی توسط ۷۳ نفر از خبرگان انقلابی که توسط مردم هر استان برگزیده شده بودند (مدنی، ۱۳۸۲: ۳۸)، در مجلس خبرگان قانون اساسی که معمولاً مجلس مؤسسان برای وضع و تصویب قانون اساسی نوین شمرده می‌شود (دبیرنیا، ۱۳۹۳: ۱۳۳)، تدوین و تصویب شد. از همین رو، نسبت‌سنجی (سازگاری و ناسازگاری) نظرات نمایندگان مجلس مؤسسان با آزادی و حقوق ملت در این تحقیق بررسی خواهد شد. از سوی دیگر، یکی از دغدغه‌های اصلی پرداختن به این موضوع، کم‌توجهی حقوق‌دانان حقوق اساسی به یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین اسناد تاریخ حقوق اساسی ایران در دوران معاصر بوده است. در حقیقت، اغلب پژوهندگان حقوق اساسی از نظرگاه قواعد این گرایش به‌طور عام به مشروح مذاکرات قانون اساسی ایران که جامعه و کشور را وارد روزگار جدیدی نمود و به‌طور خاص به رکن اساسی قانون اساسی (حق‌ها و آزادی‌های انسانی) عنایت ویژه و مستمری نداشته‌اند.

در باب پیشینه‌ی تحقیق این نوشتار اندک، پژوهش‌هایی منتشر شده است. در واقع به‌ندرت از حیث ارزیابی گرایش‌های فکری خبرگان قانون اساسی ۱۳۵۸ (انطباق یا ناسازگاری وجوه دموکراتیک قانون اساسی با گفتگوهای قانون‌گذاران اساسی) تحقیقاتی انجام گرفته است. با این حال، دو تن از پژوهشگران پرتلاش کنونی درباره‌ی انواع مفاهیم آزادی، جایگاه حقوق شهروندی، قومیت‌ها و مسأله زن در مجلس خبرگان قانون اساسی ۱۳۵۸ (خلیلی، ۱۳۹۱: ۶۹) تکاپوهای علمی خود را به منصفه ظهور رسانده است. اضافه بر این تحقیقات، محققانی در مورد ریاست جمهوری زنان و مردان (کدیور، ۱۳۸۵: ۱۱۱) وضعیت حقوقی ایرانیان غیرمسلمان (لاهیجی) نیز در مشروح مذاکرات قانون اساسی بررسی‌هایی داشته‌اند. وجه ممیز پژوهش حاضر از پژوهش‌های فوق، برونداد اندیشه خبرگان قانون اساسی ۱۳۵۸ از منظر مفاهیم فلسفی آزادی و حقوق ملت در درون متن مشروح مذاکرات است. به دیگر سخن، نویسندگان قصد دارند با این تحقیق، گوناگونی برداشت‌ها در درون یکی از متون تاریخی حقوق اساسی ایران معاصر را درباره‌ی آزادی و حقوق ملت در بوته بررسی و ارزیابی بگذارند. درحالی‌که تحقیقات مذکور به‌صورت جزئی و هرکدام از مفاهیم فلسفی فوق را به‌طور مصداقی بررسی و ارزیابی نموده‌اند. افزون بر این، وجه ممیز دیگر این است که نویسندگان با تقسیم‌بندی مفاهیم آزادی و حقوق ملت به

گونه‌های مختلف تفسیری متفاوت از پژوهش‌های فوق ارائه داده‌اند.

شیوه پژوهش پیش رو، تحلیلی - توصیفی است که با استفاده از روش کتابخانه‌ای، جمع‌آوری اطلاعات انجام گرفته است. در این پژوهش کوشش شده است، ابتدا با رجوع به منابع بنیادین مرتبط با آزادی و حقوق ملت از جنبه تئوریک به بررسی آن‌ها مبادرت ورزیده شود و بعد از آنکه هر کدام از آن‌ها از بعد نظری بررسی شدند، وضعیت مطابقت یا مغایرت آن‌ها در مشروح مذاکرات قانون اساسی ۱۳۵۸ ارزیابی خواهند شد.

۱- مفهوم آزادی و حقوق ملت

در این مقاله دو مفهوم آزادی و حقوق ملت در رویکرد خبرگان قانون اساسی مورد پژوهشی شده است. با وجود برداشت‌های متعدد از آزادی، در این نوشتار آزادی بدین معنی است که هر انسان یا گروه یا نهادی توانایی این را داشته باشد که مطابق خواست و اراده خویش بی‌آنکه الزامی به تن دادن به خواست و الزامات دیگران به استثنای نقض آزادی و حقوق دیگران داشته باشد، عمل کنند (خلیلی، ۱۳۸۶: ۱۵). در این معنا، جز در مورد استثنا شده، شخص یا گروه و سازمانی بر فرد سلطه ندارد و او حق دارد با اراده و به منظور برآوردسازی نیاز و مطالبه خود آزادانه زیست نماید. قانون به مفهوم ماهوی‌اش قادر است حامل این آزادی باشد (ویرولی، ۱۳۹۴: ۱۰۸)، بنابراین انسان تا هنگامی که صدمه‌ای به حقوق و آزادی دیگران وارد نکرده، آزادانه می‌تواند زندگی کند و اعمال و رفتارهای خود را مطابق آن تنظیم نماید. در غیر این صورت از انجام آزادانه عمل منع خواهد شد (برلین، ۱۳۹۲: ۲۳۷). علت اصلی انتخاب مفهوم فوق آن است که به باور نویسندگان چنین مفهومی، بهتر قادر خواهد بود، منظور غایی آزادی در قانون اساسی را محقق سازد.

با وجود این نظریه‌پردازان حقوق، برای تحقق آزادی راهکارهای اساسی ارائه داده‌اند. برخی بر این باورند که لازمه استمرار و پاسداری از آزادی این است که آزادی قاعده‌ای بنیادین شمرده شود. در غیر این صورت آزادی افراد نقض و تضییع می‌شود و به تدریج ممکن است آزادی افراد زایل شود (فون‌هایک، ۱۳۹۴: ۱۵۲). مطابق دیدگاه فوق، اجرای آزادی افراد تا جایی مجاز است که افراد به حقوق و آزادی‌های دیگران صدمه نزنند و در آن مداخله نکنند. بدین طریق، آزادی‌خواهی (با عاملیت قانون‌گذار)

از حقوق تک‌تک افراد دفاع می‌کند و از تحمیل اراده‌ها حتی بر عده قلیلی ممانعت می‌ورزد (محمودی، ۱۳۹۳: ۱۸۹).

آنچه که در این مقاله مورد تفسیر نگارندگان قرار گرفته، دو قرائت از محتوای قوانین در باب آزادی است: آزادی اخلاقی و آزادی عادلانه. در آزادی عادلانه فارغ از درستی یا نادرستی عمل افراد و نیت خوانی تنها به آزادی اراده فرد توجه می‌شود، اما در آزادی اخلاقی درستی و نادرستی (از منظر ارزش‌های اخلاقی) یا خوبی و بدی عمل افراد مدنظر قرار می‌گیرد. مفهوم آزادی در این مقاله، از نوع آزادی عادلانه قلمداد می‌شود و نه اخلاقی. در حقیقت، معیار آزادی به هنگام انطباق و ارزیابی قوانین و هر متن، باید آزادی عادلانه باشد، چراکه اگر آزادی اخلاقی معیار آزادی شمرده شود، به علت اینکه در قلمرو اخلاق که ماهیت حقوقی ندارد، اراده یک‌طرفه و نیت نقش اساسی دارد، قانون تصویب شده و به تبع آن نهادهای قانونی حاکمیتی قادر خواهد بود عرصه‌ها و قلمروهای آزادی‌های شهروندان را محدود کنند و نیز هر عملی که به زعم آنان صحیح محسوب نمی‌شود، منع و غدغن اعلام نمایند (فون‌هایک، ۱۳۸۲: ۱۹۳). ملاک تمایز آزادی اخلاقی و عادلانه آنجاست که مبنای ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی بر اساس برداشت مدرن و امروزی آن مدنظر قرار می‌گیرد. ملاک مذکور بیرون از مشروح مذاکرات، بر پایه مبانی ماهوی حاکمیت قانون و نیز هدف و فلسفه نوین قانون‌گذاری تنویریه شده است (راسخ، ۱۳۸۴: ۸۳).

مفهوم دیگر حقوق ملت است. ریشه و سرمنشأ حقوقی که به نام حقوق ملت در قانون اساسی تعریف و مقرر شده، از منظر کلان حقوق بشر است. بر همین اساس، بایستی نخست به سراغ مفهوم حقوق بشر رفت تا بتوان حقوق ملت را دریافت. حقوق بشر به این معنا است که سلسله‌ای از حق‌ها و آزادی‌های انسانی که به هر فرد و گروه اجتماعی فارغ از تعلقات، موقعیت‌ها و ویژگی‌های عقیدتی، قومی، جنسیتی، زبان و... تعلق می‌گیرد. از همین حیث، جنبه جهانی دارد (موحد، ۱۳۹۰: ۱۷). این حقوق به سبب بشریت آدمیان مستقل از همه خصوصیات و شرایط به انسان‌ها همبسته است و بدین اعتبار جنبه نسبی و منطقه‌ای ندارد (فریدمن، ۱۳۸۷: ۱۳۹). حقوق بشر متنوع است و انواع گوناگونی دارند. نظیر حق حیات، حق برگزیدن و رد کردن عقیده، حق آزادی بیان افکار، حق انتخاب همسر، حق برپایی تجمعات، حق پیوستن به احزاب و مجامع و خروج آزادانه از آن‌ها و... اعتقاد به این حقوق، پیشاپیش باید با پیش‌فرض کرامت انسانی و برابری بشر پیوند

عجین شده‌ای داشته باشد، زیرا پذیرش اعتقادی آن‌ها به‌وسیله مبنای تئوریک مذکور میسر می‌شود (ساعد، ۱۳۹۰: ۱۲). چنین برداشتی از حقوق بشر بی‌شک مبنایی انسانی و فرا دینی و مدرن و نوین دارد (طالبی، ۱۳۹۳: ۱۱۳). از منظری دیگر، حقوق بشر از لوازم اساسی و معیارهای بنیادین حکمرانی خوب به‌شمار می‌رود و از این منظر، نمی‌توان تأثیر انکارنشده‌ی آن را نادیده گرفت و بدان بی‌توجه بود، وگرنه با نقض یا سلب حقوق انسان‌ها، زمینه ناکارآمدی نظام حقوقی و سیاسی فراهم می‌شود (هداوند، ۱۳۸۴: ۸۴). مبنای تئوریک حقوق ملت در این مقاله فرضیه‌های حقوق بشری عام‌الشمول است که با دیدگاه‌های خبرگان قانون اساسی نسبت‌سنجی شده است.

۲- تبیین و تحلیل آزادی در مشروح مذاکرات قانون اساسی

در این بخش با طیف‌بندی برداشت‌های مختلف خبرگان قانون اساسی افزون بر ارائه کلیتی از نگرش مقننان اساسی به مفهوم آزادی، انواع برداشت‌های آزادی اخلاقی و عادلانه که منتهی به تصویب اصول مربوطه شدند، بیان می‌شوند.

۲-۱- بررسی برداشت اخلاقی از مفهوم آزادی در مشروح مذاکرات

با وجود آنکه، برخی از خبرگان قانون اساسی برداشت‌های خاص و متفاوت از آزادی بیان نمودند، عده‌ای دیگر صراحتاً قرائتی از آزادی ارائه دادند که در دایره آزادی عادلانه جای نمی‌گرفت. به‌عنوان مثال هاشمی‌نژاد از لزوم برخورد با برخی از افراد حتی اعضای مجلس مؤسسان که با نظریه ولایت‌فقیه مخالفت دارند، سخن گفت. به نظر ایشان باید در همین‌جا علناً این مسأله اعلام شود. به همین علت وی تلاش کرد تا مخالفان را به مناظره تلویزیونی دعوت نماید تا حدود نظرات اسلام معین شود. بدین ترتیب، به باور او، پس از مناظره نباید این‌طور باشد که برخی خود را محق بدانند که از طرف جوانان کشور سخن بگویند (اداره تندنویسی مجلس، ۱۳۶۴: ۵۱۳). اضافه بر نمونه فوق، می‌توان مثال‌های آشکارتری از دیدگاه‌های منطبق با آزادی اخلاقی توسط نماینده‌ای چون مدنی آورد. مدنی در جواب بیانات عبدالعزیز که برداشتی متفاوت از اسلام داشت، بر این باور بود که اگر کسی به اسلام جسارت کند باید با او تندی نموده و کوبیده شود، اما نقطه مقابل ایشان مولوی عبدالعزیز اعتقاد داشت که اسلام باید آزادی به مردم بدهد، اما عده‌ای می‌خواهند با قیود دست‌وپاگیر اسلام را محدود کنند (اداره تندنویسی مجلس، ۱۳۶۴: ۴۲۷).

برخی دیگر از قانون‌گذاران اساسی در اشکال مختلف برداشتی محدودساز از آزادی افراد داشتند؛ بنی‌صدر جامعه را بر فرد مقدم می‌دانست و به آزادی افراد ارزشی ویژه قائل نبود. در چهارچوب همین برداشت از آزادی بود که نماینده‌ای چون مکارم شیرازی معنایی از آزادی داشت که بایستی زمینه رشد فرد و جامعه را فراهم آورد. در این مفهوم آزادی می‌تواند نیروها را بسیج کند تا موانع رشد فرد و جامعه را بردارد و امکانات برای آنان فراهم نماید. به این ترتیب، آزادی به این معنا نیست که هر کس هر کاری می‌خواهد انجام بدهد (خلیلی، ۱۳۸۶: ۴۱). در همین طیف، برخی به هنگام طرح اصل آزادی بیان نشریات عقیده داشتند که می‌توان آزادی افکار و اعمال افراد را منع نمود، چون برای پیشگیری از بیماری و بردن بیمار به بهداری نباید سم پاشیده و محیط مسموم شود. به همین سبب، با منع یا محدودسازی آزادی، سم پاشیده نمی‌شود و محیط مسموم نخواهد شد. نمونه دیگری نیز در مشروح مذاکرات مشاهده می‌شود که طبق آن، به‌وضوح از ممنوعیت آزادی فکری مردم سخن گفته است. بدین شرح که اگر فکر مردم (ابتدا) آزاد باشد و (بعد) ممنوع شود، بهتر است، چون ضرر آزادی بیشتر از فواید آن است. از این‌رو، نمی‌توان به علت اینکه ممنوعیت حرص مردم را درمی‌آورد، افکار آزادانه افراد را در کتب ممنوع نکرد (اداره تندنویسی، ۱۳۶۴: ۷۲۷).

برداشت دیگری نیز در نگرش خبرگان قانون اساسی وجود داشت که می‌توان آن را در قلمرو آزادی اخلاقی گنجانند. مطابق این برداشت، برخی از مقامات مصرح در قانون اساسی از اختیار و صلاحیت حفظ آزادی برخوردارند. در این راستا، تعدادی از نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی برداشتی از آزادی داشتند که این ارزش توسط مقاماتی خاص به منصفه ظهور می‌رسید. سبحانی نماینده‌ای است که برداشتی در راستای مفهوم آزادی از ولایت‌فقیه دارد، زیرا آزادی توسط ولی‌فقیه حفظ می‌شود. به گمان او، وجود یک رهبر از حاکمیت ملت بهتر است، چراکه وجود یک فقیه عادل و آگاه حافظ آزادی خواهد بود و از استبداد جلوگیری می‌کند. به باور سبحانی در طول تاریخ همیشه لمس کرده‌ایم که در گذشته و اکنون وجود فقیه مقتدر در اجتماع به آزادی‌های ملت کمک می‌کرده است (اداره تندنویسی، ۱۳۶۴: ۱۰۶۱). به‌رغم برداشت ایشان از رهبری فقیه، در قسمت مبانی نظری آزادی بیان شد که حداقل برای استقرار و تثبیت آزادی باید سازوکارهایی پیش‌بینی شود و نهادهایی صلاحیت تضمین آزادی را داشته باشند تا شخص یا نهادی نتواند آزادی را از افراد

می‌دید. به باور وی در اصل مربوطه، اصولاً آزادی مقرر نشده است که استثنایی هم بر آن وارد شود، چون در اصل مربوط از همان ابتدا مطبوعات تحت کنترل درآمد است و باید در خدمت تنویر افکار عمومی و انتقادات سازنده باشد. در واقع، هیچ آزادی برای مطبوعات تعیین و تضمین نشده است (اداره تندنویسی، ۱۳۶۴: ۶۵۳-۶۵۲). پس از سخنان انتقادی تهرانی بود که اصل مزبور به کمیسیون برای اصلاحات لازم ارجاع داده شد.

از زاویه‌ای متفاوت‌تر، برخی از اعضای مجلس مؤسسان چون بر واقعیات اجتماعی آگاه بودند، به برداشتن محدودیت‌های اجتماعی که گوی جامع را فشار داده است، اعتقاد داشتند. به‌زعم آنان، ما (قانون‌گذاران) باید بتوانیم و غل و زنجیرهایی که آزادی‌های مردم را محدود کرده است، بگشاییم. در غیر این صورت ممکن است عده‌ای تصور کنند که ما قصد داریم غل و زنجیرهای دیگری به دست‌وپای مردم ببندیم و نتیجتاً آزادی‌های آنان را محدود کنیم. عده‌ای نیز در سطحی بالاتر ایستاده بودند. اینان می‌گفتند که ما با این نوع نگارش قانون اساسی بی‌پرده آزادی را برای خودمان می‌خواهیم و نه برای دیگران. در صورتی که باید آزادی را برای دیگران نیز بخواهیم و خود را برتر از بقیه توصیف نکنیم، چون دین اسلام مقتدرانه و با ابزار منطق از مناظره با دیگران نمی‌ترسد (خلیلی، ۱۳۸۶: ۴۱-۴۰).

۲-۳- برآیند آزادی‌ها در نگرش خبرگان قانون اساسی

اگر به نیکی در مفاهیم آزادی عادلانه و اخلاقی دقیق شویم و در آن تأمل کنیم، درخواهیم یافت که برداشت‌های خبرگان قانون اساسی تنوع کثیری داشته است. با این حال، به‌رغم آنکه تعدادی از آنان برداشتی عادلانه از آزادی بیان نمودند لیکن تعداد چشمگیری از خبرگان قانون اساسی و نیز برآیند کلی اصول مرتبط با قانون اساسی این است که نتیجه تکرر برداشت‌ها به آزادی اخلاقی نزدیک‌تر است تا آزادی عادلانه، زیرا اغلب تلقی‌ها از آزادی بر پایه نیک و بد افکار و اعمال در تطبیق با آزادی استوار است. شاید بتوان علت اساسی چنین نتیجه‌ای را در تأسیس مبنای نظام سیاسی - حقوقی نوپای اسلامی که همانا خصلت دینی بودن و نیز درج و اعمال نظریه امت و امامت بنیان‌گذاری شده یافت. طبق دیدگاه نائب رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی این نظام سیاسی با هیچ‌یک از نظام‌های موجود در حقوق اساسی منطبق نیست. حق‌ها و آزادی‌های منبعث از این نظام سیاسی در عقیده و در عمل بر پایه کتاب و سنت و از قله آن‌ها سرازیر شده است (بهشتی، ۱۳۹۰: ۳۹).

سلب کند. بر این پایه، وجود یک مقام به‌تنهایی برای برقراری و تضمین آزادی کفایت نمی‌کند و لاجرم سازوکار این مهم نیز باید پیش‌بینی شود.

در دیدگاه بسیاری از نمایندگان مجلس مؤسس مفهوم آزادی، ماهیت دینی و انسانی آزادی درهم‌آمیخته می‌شد و مفهومی آن، گاه یکسان بود و گاه با اولویت ماهیت دینی آن. به‌عنوان مثال از دید عده‌ای، خداوند انسان را آزاد آفریده است تا آزادانه بر سرنوشت خویش حاکم باشد، اما همین انسان باید از راهنمایی راهنمایان به حق نظیر پیامبران و فقها بهره‌برد و بعد از به‌کارگیری آنان، سرنوشت خویش را معین نماید. همچنین آزادی می‌توانست مطلق نباشد؛ اما تعیین شده و به‌طور استثنا تحدید شده هم نباشد، بلکه از نظر تکوینی در طول اراده خداوند و نه در عرض آن جای دارد. گاهی آزادی مساوی با رهایی از بندگی دانسته می‌شد و گاه با آزادی و نیز امور اقتصادی پیش‌نیاز و نه غایت نهایی آن معنا می‌گردید. گاه نیز متأثر از اندیشه‌های قبل از انقلاب اسلامی مترادف با مسئولیت انسان در برابر خداوند مورد قبول واقع می‌شود و نه به معنی بی‌بندوباری. برخی دیگر، قصد داشتند مردم را از سخنرانی‌هایی که به‌زعم خویش علیه اسلام صورت می‌گیرد، منع کنند. افزون بر این، از نظر برخی قانون‌گذاران آزادی‌های الحادی وجود دارد که عده‌ای قصد دارند آن‌ها را لای‌عمامه فقها بگذارند، اما مطمئن باشند که از نظر ما پذیرفته نخواهند شد (خلیلی، ۱۳۸۶: ۴۱-۳۸).

۲-۲- بررسی برداشت‌های عادلانه از مفهوم آزادی در مشروح مذاکرات

فراتر از سخنان و مباحث پیشین، قانون‌گذارانی نیز بودند که گرچه معنایی تماماً متجدد از آزادی بیان نمی‌کردند، اما در دیدگاه آنان، آزادی مقوله‌ای سترگ به شمار می‌رفت و در درجه‌ای بالاتر از قرائت‌های فوق قرار داشت. مقدم مراغه‌ای از جمله این اشخاص است. به باور او باید برداشتی از جمهوری اسلامی داشته باشیم که آزادی‌خواهانه باشد و کلاه‌شرعی بر سر مردم ننهیم، چون حق مردم نتیجه آزادی‌های فردی آنان است. با این حال، به گمان وی، اگر مردم بخواهند خود را محدود کنند، می‌توانند با محدودیت اسلام در نهایت آزادی خود را تحدید نمایند. در واقع حق محدودیت بر آزادی نیز در اختیار خود مردم است (اداره تندنویسی، ۱۳۶۴: ۵۳۰). علاوه بر این، نماینده‌ای مثل تهرانی، توجهی ویژه به آزادی مطبوعات داشت. وی محدودیت‌های زیادی را در اصل مربوط به فعالیت مطبوعات و حدود آن‌ها

صورت از نمایش اعتراض آنان جلوگیری می‌شود و به نتیجه‌ای نخواهد رسید.

در مقابل، تعدادی از نمایندگان، به طرزی درباره‌ی این اصل سخن می‌گفتند که به‌طور محدودی با حق اخیر موافق بودند. طاهری خرم‌آبادی در شمار این مقننان جای می‌گیرد. وی معتقد است که اجرای این حق باید منوط به صدور مجوز از وزارت کشور باشد و این اصل نمی‌تواند دست دولت را برای جلوگیری از مواردی که بایستی مانع تظاهرات شود، باز بگذارد. (موافقت محدود) برخی نظیر بهشتی بر این باورند که اجرای این حق باید موقوف به اعلام قبلی باشد و به گفته‌ی او همین اعلام کفایت می‌کند. (موافقت اطلاعاتی) اضافه بر این‌ها، طاهری اصفهانی محدودیت‌ها بیشتری بر این حق وارد می‌کند. به گونه‌ای که دایره استثنای حق برپایی تجمعات فشرده‌تر می‌شود و جریان‌ها و گروه‌های بیشتری را در برمی‌گیرد. ایشان می‌گویند: باید شروط وارد نکردن لطمه به مبانی اسلام باید قید شود و اقلیت‌ها نیز نباید برای کوبیدن اسلام جلسه‌ای تشکیل شود. به گمان وی، ممکن است این اصل در آینده گل‌وگشاد به‌موجب قانون عادی درآید و چپ‌ها و بهایی‌ها در مسجد به‌قصد ضربه به اسلام و امنیت نظام ما تشکیل اجتماع بدهند.

یزدی به سخنرانی در کلاس درس حتی اگر علیه خدا هم باشد، باور دارد؛ اما این سخنرانی نباید به‌صورت قیام علیه اسلام و مقدمه‌ای برای توطئه باشد و این باید ممنوع شود. معدودی از قانون‌گذاران برداشتی خاص از این حق عام بیان می‌کردند. آن‌طور که از تفاسیر ایشان مشخص است، به جوانب غیرحقوقی حق آزادی تجمعات توجه داشتند. بنا بر گفته‌ی ایشان، راهپیمایی بدون حمل سلاح شامل رژه ارتش هم می‌شود و از حمل آن جلوگیری می‌کند؟ در پاسخ به پرسش سبحانی، رحمانی چنین پاسخ داد: به باور وی، راهپیمایی ارتش یا سیاسی است یا نظامی. سیاسی که به حمل سلاح نیاز ندارد، اما رژه نظامی مشمول این اصل نمی‌شود.

با وجود این‌همه نظر و تفسیر از حقوق مسلمانان و سایر دین‌داران، عده‌ی خیلی از مقننان، از حقوق غیر دین‌داران سخن گفت. این موضوع از آن‌رو مهم است که دربابیم، حقوق بشر برای همه بشر است و نه تعدادی خاص. ذات حقوق بشر حتی برای این یک درصد نیز حقوقی انسانی قائل است. با این حال، کسانی که با این مهم موافق بودند، بعضی محدودیت‌ها را بر آن وارد

۳- جایگاه حقوق ملت در متن مشروح مذاکرات قانون اساسی

مفهوم دیگر حقوق ملت است. در این قسمت به بررسی دیدگاه‌های موافقان و مخالفان حقوق ملت، پرداخته خواهد شد. با این توضیح که به بررسی استدلال‌های موافقان و مخالفان حقوق فردی و جمعی که مهم‌ترین آن‌ها تأیید و رد حقوق اقلیت‌های دینی و غیردینی و مسائل مرتبط با حقوق اکثریت و اقلیت و نیز حقوق زنان و مردان هستند، مبادرت می‌ورزیم.

۳-۱- موافقان نسبی و مشروط حقوق ملت

در این گرایش دیدگاه‌هایی مورد بررسی قرار می‌گیرد که ضمن پذیرش حق‌های انسانی، به‌طور حداکثری و همه‌جانبه از آن‌ها دفاع نشد؛ بلکه یک جنبه از حقوق افراد یا حمایت از حق عده خاصی از شهروندان مدنظر قرار گرفت و نیز توسط عده‌ای از مقننان اساسی شروط و حدودی بر آن‌ها تقیید زده شد.

هنگامی که بند تأسیس مراکز تحقیق در همه زمینه‌های علمی و... (اصل سوم) مطرح شد، موسوی تبریزی به مخالفت با این بند برخاست. چون معتقد بود روحانیت شیعه باید در تحقیقات علمی آزاد باشد و استقلالش گرفته نشود، چون در این بند دولت بایستی مداخله کند و سطح مسائل اسلامی را بالا ببرد. در نتیجه ممکن است مثل گذشته از این موارد سوءاستفاده شود (اداره تندنویسی، ۱۳۶۴، ۲۹۳). این مخالفت به‌خودی‌خود و از منظر حق بر آموزش قابل دفاع است؛ اما کاستی‌اش این است که به حق آموزش و قلم فقهای سایر ادیان که در اصل ۱۲ رسمیت دارند، اشاره‌ای نکرده است.

مثال بارز پذیرش یکی از حقوق جمعی اصل مربوط به حق برپایی اجتماعات بود. گفتارهای موافقان این حق طیف‌های گوناگونی را در برمی‌گرفت: برخی به‌طور مشروط، برخی محدود و برخی به‌طور اطلاعاتی با حق مزبور موافقت نمودند. ربانی شیرازی به‌وضوح و بی‌پرده اصل حق قیام ملی را در برابر استبداد و انحراف برای مردم البته با شروط ممنوعیت تظاهرات مخالفت با اسلام و جمهوری اسلامی به رسمیت می‌شناسد. در این راستا وی تأکید داشت که بایستی از الفاظی که ابزار و بهانه‌ای در اختیار عده‌ای می‌گذارند تا این حق را سلب و نقض کنند، خودداری شود. این نوع شناسایی موافقت مشروط است. به همین علت مرادزی در نقد این شروط گفت که راهپیمایی که برای اعتراض بر علیه دولت باشد، نیازی به محدودیت ندارد، چون در غیر این

اصولی که ممکن است تصویب بشود و با تصویب آن حقوق مردم فراموش شود، اصل اولیه و پیشنهادی ولایت فقیه است. ایشان با حمایت از نظر حجتی کرمانی اعتقاد داشت که این اصل مبهم است و معلوم نیست حدودش چگونه ترسیم شده است. از همین رو، این اصل ممکن است نگرانی‌های را برای مردم ایجاد کند و می‌تواند به صورت یک عقده در جامعه باقی بماند، بنابراین ما باید ابعاد اصل مزبور را برای مردم روشن سازیم.

یکی از جنجال‌برانگیزترین مباحث مربوط به حقوق ملت در مجلس خبرگان قانون اساسی، بحث در باب حقوق اکثریت مسلمان و حقوق اقلیت‌های دینی بود. اصول مرتبط با این موضوع در دو اصل نگارش، تدوین و مطرح شد که در نهایت با اندک تغییراتی به تصویب رسیدند. اصل دوازدهم معرف دین و مذهب رسمی و حقوق پیروان دین اسلام و اصل سیزدهم بیانگر حقوق سایر اقلیت‌هایی غیر از مسلمانان بود. مطابق اصل دوازدهم دین رسمی اسلام و مذهب رسمی شیعه‌ی دوازده امامی است. پیروان سایر مذاهب اسلامی نیز مطابق فقه و قوانین خود در امور زندگی خویش آزادند و در دادگاه رسمیت دارند. بر اساس اصل سیزدهم، زرتشتیان، یهودیان و مسیحیان تنها اقلیت‌های دینی شناخته شده در ایران هستند که در حدود مقررات دین خود آزادند و عمل می‌کنند. همان‌طور که خواهیم دید، اصول مذکور، سبب‌ساز بیان و ابراز اختلافات و گفتگوهای جدی میان مقننان اساسی گردید.

نماینده‌ای نظیر سید حسن آیت، به‌طور کلی منتقد استبداد اکثریت بود و از حقوق اقلیت دفاع می‌کرد. از نظر او، حتی خود فرد نمی‌تواند حقوق را از خویش سلب کند، چه رسد به اکثریت. بر همین اساس، آیت نتیجه می‌گرفت که ولایت فقیه مغایرتی با حقوق افراد و اقلیت‌ها ندارد، پس سخن عده‌ای که سعی در القا و گفتن این مغایرت دارند، صحیح نیست. گرچه ایشان شیوه این عدم تعارض را شرح نداده است؛ اما عنایت وی به توازن میان حقوق اکثریت و اقلیت جالب توجه است. جدا از این مورد، بیشترین کسانی که در حمایت از حفظ و تأمین حقوق اقلیت‌های دینی سخن گفتند، نمایندگان اقلیت‌های زرتشتی، کلیمی، مسیحی و اهل تسنن بودند. اینان، بدین سبب که اظهارات بعضی از قانون‌گذاران دال بر عدم اشاره به حقوق اقلیت‌ها مشاهده می‌کردند، درصدد حمایت از حقوق بشری به‌خصوص حقوق دینی، اجتماعی و سیاسی اقلیت‌های دینی برآمدند.

نمودند. قرشی قانون‌گذاری است که در لابه‌لای سخنانش به حقوق غیر دین‌داران با توسل به قرآن اشاره می‌کند. ایشان مستند به قرآن کریم بر این باور است که افراد غیرمذهبی به شرط آنکه علیه اسلام و مسلمین قیام نکنند و پیروی از حکومت نمایند و نیز مالیات بپردازند، دارای حق حیات هستند و باید بدین منظور ماده‌ای را در قانون اساسی اختصاص داد. نماینده دیگری که در باب غیر دین‌داران نظراتی گفت، محمد کرمی بود. ایشان نیز به سبک قرشی، با ارجاع به قرآن کریم عقیده داشت، بی‌عقیدگان تا زمانی که دارای حیثیت و مزیت انسانی هستند و مطابق آن رفتار می‌کنند، می‌توانند در دامن اسلام و مسلمین زندگی کنند. تصویب اصل مربوط به این موضوع توسط قانون‌گذاران اساسی، دیدگاه‌های فوق را تأیید می‌کند. مطابق اصل چهاردهم: «دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظف‌اند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند».

۳-۲- دیدگاه‌های موافق حداکثری حقوق ملت

نگرش‌هایی در مشروح مذاکرات قابل‌بررسی است به‌طور همه‌جانبه، حداکثری و وسیع با آن‌ها موافق بودند. شهید باهنر از مدافعان حداکثری حق ابراز عقیده است. طرح اصل بیست و نهم (حق بیان ابراز افکار و عقاید) موجب شد که ایشان به دفاع از این اصل بپردازد. به باور وی فردی که حتی اگر بخواهد عقاید غیردینی خود را بیان کند، باید آزاد باشد، چون هر کس ممکن است طرز فکر اجتماعی، سیاسی و فلسفی داشته باشد. بشارت نیز در زمره تقنین‌گرانی قرار دارد که از حق بیان آزاد باورها دفاع می‌کند. مطابق دیدگاه او مخالفان هم باید بتوانند نظر خویش را در اشکال گفتن، نوشتن و سخنرانی بیان کنند. از این‌رو، در بعضی از اصول دایره این حق را مضیق ساخته‌ایم. به باور وی، ما با این کار رأی هم نمی‌آوریم و آبروی خود را نیز می‌بریم. اهمیت ابراز این سخن برای بشارت به میزانی بود که اگر نمی‌گفت، شب خوابش نمی‌برد.

از منظری دیگر، تعدادی از نمایندگان قوه مؤسس نظیر فاتحی به حمایت از حقوق بخش آسیب‌پذیر جامعه برخاستند و خواستار گنجانیدن حقوق کارگران، معلولان، کودکان و مادران در قانون اساسی شدند، چون اعضای این مجلس را نماینده آنان می‌دانست. در سطحی بالاتر، نماینده‌ای مثل مقدم مراغه‌ای به شیوه‌ای دیگر از حقوق مردم دفاع می‌کرد. به باور وی، یکی از

امر حکمرانی ایران نوین است (خلیلی، ۱۳۸۷: ۸۸). این اصل مطروحه در واقع همان اصل سیزدهم بود که قبلاً مفاد آن بیان شد. منتهی، قید «رسمی» و «صابئین» در اقلیت‌های دینی و پیروان ادیان خاص و نیز عبارات «در تعلیم و تعلم فرهنگ و زبان خود و تشکیل شورای قومی و دینی از حمایت قانون برخوردارند»، از این طرح حذف شد (لاهیجی، ۱۳۸۰: ۲۴).

دانش‌راد نماینده کلیمیان ایرانی همچنان به دفاعیات خویش از حقوق متنوع اقلیت‌ها ادامه می‌داد. ایشان در ادامه مباحث و گفتگوها درباره اصل سیزدهم به اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر استناد کرد، چون معتقد بود که اصل سیزدهم مسائل اقلیت‌های شناخته‌شده را حل نمی‌کند. مصداق مشخص گفته دانش‌راد استخدام در مؤسسات دولتی بود که پیروان اقلیت‌ها می‌گویند: ما را در این مؤسسات قبول نمی‌کنند. با ابراز این سخنان، رئیس مجلس مؤسسان در پاسخ به او گفت که حقوق انسانی مشمول آنان نیز می‌شود؛ اما به اعلامیه جهانی حقوق بشر اعتنایی نداریم، چون اسلام هزار و چهارصد سال پیش نسبت به اقلیت‌ها توصیه‌هایی داشته است.

۳-۳- بررسی دیدگاه‌های ناسازگار با حقوق ملت در مشروح مذاکرات

در این بند به ارزیابی نظراتی در مجلس مؤسسان ۱۳۵۸ همت گمارده می‌شود که در نقد یا رد حق‌های انسانی پیشنهادی در مجلس مؤسسان سخن گفتند. نمونه آشکار گرایش اخیر مذاکره درباره اصل مربوط به منع شکنجه متجلی شد. در مورد ممنوعیت شکنجه آنچه بدیهی می‌نماید، مبنای آن است که به ارزش کرامت انسانی باز می‌گردد. مطابق این اصل بنیادین، ارزش احترام به بزرگداشت انسان به میزانی بالا است که به موجب آن نباید حتی کوچک‌ترین آزار جسمی و روانی را بر انسان تحمیل و وارد کرد. به همین دلیل ممنوعیت شکنجه جزء قواعد آمره محسوب شده و در معاهدات متعدد جهانی ثبت شده است (ژیسبرگر، ۱۳۸۷: ۹۴). گرچه، اکثر مقننان اساسی اصل مربوطه را به طور مطلق تأیید کردند و حتی برای محکم‌کاری خواستار افزودن الفاظ و اصطلاحاتی مثل «مطلقاً» شدند، اما مرحوم مشکینی با وجود پذیرش این اصل، ممنوعیت شکنجه را مطلق نمی‌دانست. وی بر این عقیده بود که در شرایطی خاص باید افراد را شکنجه کرد. مثال وی در مورد ربایش شخصیت‌های برجسته و اطلاع چند نفر از ماجرا و مکان آنان بود. پس از بیان نظر ایشان رئیس مجلس با رد شرط خاص وی گفت که گرفتن اقرار راه‌های

مولوی عبدالعزیز از نمایندگان اهل تسنن است که بر حقوق اقلیت‌ها تأکید جدی دارد. ایشان خود را نخستین شخصی می‌داند که حامی حقوق اقلیت‌ها است و بسیاری از مردم سیستان و بلوچستان برای پیگیری حقوقشان نزد او می‌رفتند. طبق سخنان وی بایستی حقوق ملی و مذهبی همه اقلیت‌ها باید محفوظ باشد. افزون بر عبدالعزیز، دانش‌راد وکیل کلیمیان در دفاع از حقوق اقلیت یهودی به دفاع از حقوق این اقلیت برخاست. ایشان بر این اعتقاد بود که اکنون مثل سابق نیست که رأی اکثریت حاکم باشد و تابع آنان باشیم، بلکه باید به آنچه به نفع ملت ایران است، عمل شود. وی از همه نمایندگان خواست که از شک و بدبینی نسبت به کلیمیان خودداری کنند؛ چون ما نیز خواستار آنیم که در ایران تنفس کنیم و آرامش داشته باشیم و کار مثبت و سازنده نماییم. از همین رو، اگر دانش‌راد به نمایندگی از اقلیت خویش رأیی می‌دهد، در واقع منافع ملت ایران را در نظر می‌گیرد و نه منافع گروهی؛ پس منافع ما منافع مسلمین نیز خواهد بود.

دانش‌راد به هنگام طرح اصل تشکیل نهاد رهبری و شورای رهبری، آراء خود را در حمایت از حقوق اقلیت‌ها مطرح کرد. وی با بیان اینکه من معنای ولایت امر و امامت امت را نمی‌دانستم چیست و فکر می‌کردم به معنی پیروان دین اسلام است، گفت: توضیحی آقایان علماء به من دادند که این طور نیست و امت یعنی ملت و... را در برمی‌گیرد و تمام افراد کشور را که تابع جمهوری اسلامی هستند. اگر این معنی است حرفی نیست، ولی اگر امت تنها پیروان دین اسلام را در برمی‌گیرد، در این صورت تکلیف اقلیت‌های دینی دیگر چه می‌شود؟

افزون بر این‌ها، هنگامی که اصل سیزدهم درباره اقلیت‌های دینی غیر از اسلام در مجلس خبرگان مطرح شد، بیت اوشانا نماینده زرتشتیان حمایت قاطعانه‌ای از اقلیت‌ها نمود. به نظر ایشان همه اقلیت‌ها (چه آنانی که نماینده دارند و چه ندارند) بیش از سه هزار سال است (حتی زمانی که مرزهای کشور به اینجا نرسیده بود) که در ایران زندگی می‌کنند. مطابق گفته او، سکونت آنان با زندگی مشترک ایرانیان همراه بوده است که این شیوه زیست اجتماعی، انس و حقوق هم ملتی ساخته است. بدین سبب، اقلیت‌ها هرگز خود را از این ملت جدا نخواهند کرد. این سخنان، موجب شد که بیت اوشانا اصلی را برای محافظت از حقوق اقلیت‌ها پیشنهاد کند. لکن با وجود همه این دفاعیات، پیشنهاد وی مقبول نیفتاد. تصویب اصل مزبور بیانگر تفوق و رسمیت دین اسلام و مذهب تشیع در نگرش اکثر خبرگان قانون اساسی برای

می‌توان پی برد که منظور از مؤمنان مسلمین هستند. با این حال، وی سرنوشت حقوق سایر دین‌داران را معین نکرده بود.

با دقت نظر در بررسی مذاکرات خبرگان قانون اساسی درباره حقوق ملت می‌توان نتیجه‌ای کلی گرفت؛ چنان که برخی از محققان بدان معتقدند - پاره‌ای از حقوق ملت علاوه بر عقل‌پذیری، شرع‌پذیر نیز هستند، (گرچه بعضی دیگر نیستند). بر این مبنا، انقلاب جدید پس از مشروطیت، به اعتبار آرمان آزادی‌اش، نمی‌توانست حقوق انسانی مندرج در قانون اساسی مشروطه را پس زند و در نتیجه پاره‌ای از آن‌ها با کمترین مخالفت‌ها تصویب شد (خلیلی، ۱۳۸۷: ۳۶-۳۳). با وجود این، قیدها و تحدیدهایی بر آن‌ها وارد شد که مانع تصویب محتوای حداکثری و تمام‌عیار حقوق افراد در قانون اساسی گردید.

نتیجه‌گیری

تأمل و تدبر در تحقیقی که گذشت، این مدعا را تأیید می‌کند که آزادی و حقوق ملت، در دیدگاه‌های قانون‌گذاران اساسی به معنای نوین و مدرن آن‌ها تلقی نمی‌شد و نیز برداشتی حداکثری و تمام‌عیار از آن‌ها چشمگیر نبود. در نتیجه تصویب اصول مرتبط قانون اساسی، با ضوابط و چهارچوب‌های ناموزون و ناسازگار با مفهوم نوین آزادی و حقوق ملت تلفیق و تحدید شد. علت اساسی این مسأله را باید در تفوق تفسیر انقلابی، سیاسی و فقهی بر برداشت حقوقی و مدرن به‌مقتضای مقطع ۱۳۵۸ جستجو کرد. مجلس خبرگان قانون اساسی در شرایطی تشکیل شد و به کار تدوین و تصویب قانون اساسی همت گمارد که روحیات انقلابی، مذهبی و سیاسی هنوز فروکش نکرده بود و نیز آرمان‌گرایی و جهان‌گرایی توأم با عدم ورود حداکثری حقوق‌دانان به این نهاد و نیز بی‌نیازی خبرگان به حقوق‌دانان (همان‌طور که چندین عضو خبرگان قانون اساسی بدان اذعان کردند)، سبب‌ساز طرح مباحثات و مذاکراتی شد که مفهوم نوین آزادی و حقوق ملت را به‌طور حداکثری برآورده نمی‌ساخت. علاوه بر این؛ علت دیگر به نظر می‌رسد این باشد که جو انقلابی آن دوران به‌شدت زیر تأثیر مارکسیست‌های مسلمان و غیر مسلمان بود که باورمند به تفکر جمع‌گرا یا جمع‌گرایی اسلامی بودند. چه؛ حاملان این تفکرات با حق‌ها و آزادی‌های نوین چندان سازگاری نداشتند و گرایشی به قانون اساسی آزادی‌گرا از خود نشان نمی‌دادند.

از منظری دیگر، شاید بتوان علت اساسی این مهم را در ناسازگاری مفاهیم انسانی و عرفی و متجدد آزادی، حقوق بشر و

دیگری نیز دارد، چون ضررش بیش از نفع آن است. با این حال، مشکینی بر استدلال‌هایش بیشتر می‌افزود، اما نائب رئیس سخن او را با استدلالی منطقی نپذیرفت. بهشتی معتقد بود که اگر ما این شرایط خاص را بپذیریم راه شکنجه گشوده می‌شود و همه افراد داغ خواهند شد، پس راه سیلی زدن را باید بست. بدون شک، شرایط ویژه‌ای که مشکینی پیشنهاد داده بود، به نقض کرامت انسانی و حقوق آنان منتهی می‌شد. در نهایت چون رأی این نماینده مخالف در اقلیت بود، اصل مزبور با اکثریت تصویب شد (اداره تندنویسی، ۱۳۶۴: ۲۹۳).

به‌رغم حمایت‌هایی که از حقوق افراد توسط قانون‌گذاران اساسی شد، عده‌ای به‌صراحت با حقوق افراد و مفروضات با مقوله حق موافق نبودند و در حقیقت با اصل حقوق بشر مخالفت می‌نمودند. به‌عنوان مثال، از نظر برخی مقوله حق متعلق به مردم نیست، بلکه وظیفه یا مسؤولیتی است که از طریق شرکت در برنامه‌ریزی خدمات عمومی و سیاست داخلی و خارجی با مشارکت انتخاباتی نمود می‌یابد، چون بدیهی است که حکمرانی مقید به قرآن و سنت که مورد قبول مردم قرار گرفته، خواهد بود (خلیلی، ۱۳۸۶: ۳۴). در حقیقت، افراد حقی ندارند؛ بلکه تنها وظیفه یا مسؤولیت دارند تا حکمرانی را تأیید نمایند.

در امور اقتصادی حقوق ملت (مشهدی و دارابی، ۱۴۰۳: ۴۵۰) نیز، نماینده‌ای چون موسوی اردبیلی با حق انتخاب شغل زن به‌طور حداکثری و تمام‌عیار موافق نیست، چون ایشان با ترسیم چهارچوبی خاص بر این باور است که برای اینکه به امور خانواده و کارهای همسر و فرزندان اهمیت بیشتری بدهد، نباید به‌گونه‌ای شاغل شود که مثل جوامع ماشینی زندگی‌اش معطوف به شغلش بشود و در نتیجه باید یک‌سری محدودیت‌هایی داشته باشد.

جلال‌الدین فارسی ابتدای شروع به کار مجلس خبرگان قانون اساسی چندین اصل ارائه داد. در اصول پیشنهادی وی به حقوق غیر مؤمنان اشاره‌ای نشده بود. اصل نخست فارسی دولت ایران را دولت مؤمنان می‌دانست. همچنین، اصل سوم پیشنهادی او به مؤمنان جهان اختصاص داشت. مطابق این اصل، مؤمنان جهان امت واحدی هستند که دارای دین، کتاب و پیامبر و وطن واحدند و حقوق مساوی دارند. گرچه اصول پیشنهادی ایشان تأیید نشد، اما آن‌گونه که آخرین اصول پیشنهادی وی قرآن و سنت مبنای حکومت قرار گرفته‌اند و فقیهان تنها قانون‌شناس معرفی شده‌اند،

از ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی در متن مصوب قانون اساسی به‌صورت تلفیقی و تقییدی متبلور شد.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

تعارض منافع: در این مقاله هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله مشترکاً توسط نویسندگان صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از کلیه کسانی که در معرفی منابع و تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین‌کننده مالی بوده است.

منابع

الف. منابع فارسی

- اداره تدنویسی مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۴). صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴.

- برلین، آیزیا (۱۳۹۲). چهارمقاله درباره آزادی، مترجم: محمدعلی موحد، تهران: خوارزمی.

- حسینی‌بهشتی، سیدمحمد (۱۳۹۰). مبانی نظری قانون اساسی. تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله بهشتی.

- خلیلی، محسن (۱۳۸۷). «قومیت در نگرش خبرگان قانون اساسی». پژوهش‌نامه علوم سیاسی، ۳(۴): ۷۳-۱۱۹.

- خلیلی، محسن (۱۳۸۶). مفهوم آزادی در نگرش مجلس خبرگان قانون اساسی. پژوهش‌نامه علوم سیاسی، ۲(۴): ۱۳-۵۰.

- خلیلی، محسن (۱۳۸۷). «قانون اساسی و حقوق شهروندان: نگاهی به جایگاه حقوق شهروندی در مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی ۱۳۵۸»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ۱۴(۱۴۱) و ۱۴۲.

برابری با ماهیت برداشت‌های انقلابی، سیاسی و مذهبی جستجو کرد (مشهدی و دارایی، ۱۴۰۰: ۱۰۷). به‌گونه‌ای که حتی در مجلس خبرگان قانون اساسی نزدیک‌ترین دیدگاه‌ها آزادی و حقوق ملت نتوانست قرائت حداکثری و حقیقی دو ارزش دموکراتیک قانون اساسی را در اصول قانون اساسی متبلور نماید. علاوه بر این، از منظر اکثر مقننان اساسی آزادی معنایی متجدد و مدرن، به شکلی که در سیر تاریخ اندیشه جدید ملاک قرار گرفته بود، نداشت؛ زیرا اضافه بر اینکه پیش‌فرض‌ها و شروطی در ماهیت قانون اساسی گنجانده شده بود که به علت وجود آن‌ها نمی‌توان مفهوم نوین آزادی را از آن بیرون کشید، بلکه در معنایی اخلاقی و معناگرایانه فهمیده می‌شد. قانون‌گذاران اساسی گمان می‌بردند که با این برداشت از آزادی قادرند، معانی و پدیده‌های کهن و دیرینه‌گرا را در جهان امروز وارد کنند و نیز به همراه آن‌ها آزادی و جمهوری را جلوه‌گر سازند.

اگر گفتارهایی که در راستای آزادی و حقوق ملت بیان شدند و اصولی هماهنگ با آن‌ها مورد تصویب قرار گرفت، مورد تأمل قرار گیرند، درخواهیم یافت که نگرش تعداد قابل‌توجهی از آنان به‌طور حداقلی و نسبی سازگار و هم‌راستای آزادی و حق‌های بشری بودند. بدین ترتیب، آزادی اغلب مفهومی اخلاقی یا آمیخته با عادلانه داشت، به‌گونه‌ای که در مشروح مذاکرات و اصول قانون اساسی رد پای تلفیق آزادی اخلاقی و عادلانه را با غلبه آزادی اخلاقی مشاهده می‌کنیم. همان‌طور که پیش از این گفته شد، علت بنیادین این مسأله، خصلت دینی بودن و نیز درج و اعمال نظریه امت و امامت نظام سیاسی - حقوقی نوین سبب‌ساز نتیجه مذکور شده است.

همچنین، حقوق ملت عمدتاً با قیود موازین و مقررات شرع و مورد تأیید فقه به رسمیت شناخته شدند. در واقع، حقوق افراد نیز همچون آزادی با وجود پذیرش آن توسط مقننان و تصویب آن در اصول قانون اساسی در فصل حقوق ملت به سبب منشأ الهی و ماهیت دینی و فقهی قانون اساسی در نظر قانون‌گذاران اساسی اولویتی متعالی و برین نداشت و نیز حاوی مفهوم مدرن آن نبود. در واقع حقوق ملت موجود در قانون اساسی همان‌طور که از اصول نوزدهم و بیستم استنباط می‌شود، با شروط موازین اسلامی و مقررات شرع و برخی از قرائت‌های دیگر پذیرفته شد، بنابراین، تنوع و تکثر برداشت‌ها از مفاهیم آزادی و حقوق ملت در مشروح مذاکرات به‌گونه‌ای بود که اکثر قرائت‌های خبرگان قانون اساسی

- خلیلی، محسن و نسترن صالح‌نیا (۱۳۹۱). «مسأله زن در نگرش خبرگان قانون اساسی». *پژوهش‌نامه زنان*، ۱۳(۱): ۱۰۰-۴۹.
- دارابی، علی؛ مشهدی، علی و قارلقی، سعید (۱۴۰۰). «تأملی بر مفهوم برابری در اندیشه خبرگان قانون اساسی ۱۳۵۸». *مجله مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ۱۲(۲۵): ۱۰۷-۱۳۳.
- دبیرنیا، علیرضا (۱۳۹۳). *قدرت مؤسس*. تهران: شهر دانش.
- راسخ، محمد (۱۳۸۴). *بنیاد نظری اصلاح نظام قانون‌گذاری*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ژیسبرگر، فلوریان (۱۳۸۷). «حاکمیت قانون و شکنجه»، ترجمه: علی دهقانی، *حقوق اساسی*، ۵(۱۰).
- ساعد، محمدجعفر (۱۳۹۰). «چشم‌اندازی به منزلت انسانی از منظر اخلاق زیستی و حق‌های بشری». *حقوق بشر*، ۶(۱۱).
- طالبی، محمدحسین (۱۳۹۳). *درآمدی بر فلسفه حق*. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- فریدمن، مایکل (۱۳۸۷). *حقوق بشر*. ترجمه: محمد کیوانفر، تهران: هرمس و ناقد.
- فون‌هایک، فردریش (۱۳۸۲). *در سنگر آزادی*، ترجمه: عزت‌الله فولادوند، تهران: لوح فکر.
- فون‌هایک، فریدریش (۱۳۹۴). *قانون، قانون‌گذاری و آزادی*. مترجمین: مهشید معیری و موسی غنی‌نژاد، جلد سوم، تهران: دنیای اقتصاد.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۷۵). *گفتارهایی در حقوق عمومی*، تهران: دادگستر.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). *مقدمه علم حقوق*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- لاهیجی، عبدالکریم (۱۳۸۰). «مروری بر وضع حقوقی ایرانیان غیرمسلمان». *ایران‌نامه*، شماره‌های ۷۳ و ۷۴: ۷-۴۰.
- مرکز مالگیری، احمد (۱۳۹۴). *حاکمیت قانون؛ مفاهیم، مبانی و برداشت‌ها*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- محمودی، سیدعلی (۱۳۹۳). *درخشش‌های دموکراسی*. تهران: نگاه معاصر.
- مشهدی، علی؛ دارابی، علی و امرایی، محمد (۱۴۰۳). «تأملی بر فهم مواضع خبرگان قانون اساسی ۱۳۵۸ از نظام اقتصادی»، *تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی*، ۷(۲۳): ۱۵۵-۱۸۶.
- مشهدی، علی؛ دبیرنیا، علیرضا و جلیلی، آیت‌الله (۱۳۹۸). «جایگاه دستورگرایی جوهری در اندیشه حقوق اساسی و اسلامی شهید بهشتی». *حقوق اسلامی*، ۱۶(۶۲): ۱۶۱-۱۹۰.
- مشهدی، علی و جلیلی، آیت‌الله (۱۳۹۴). «تأثیر اندیشه‌های حقوقی بر شکل‌گیری قانون اساسی در حقوق اسلام و غرب با تکیه بر اندیشه‌های شهید بهشتی». *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ۲(۴): ۹۳-۱۱۶.
- مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۸۲). «مروری بر شکل‌گیری قانون اساسی». *ماهنامه زمانه*، ۲(۱۶).
- موحد، محمدعلی (۱۳۹۰). *در خانه اگر کس است*. تهران: کارنامه.
- واعظی، مجتبی (۱۳۸۳). «ارزش حقوقی مذاکرات شورای بازرنگری قانون اساسی»، *حقوق اساسی*، ۲(۳): ۱۷۹-۱۸۹.
- ویروولی، مائوریسیو (۱۳۹۴). *جمهوری‌خواهی*. ترجمه: حسن افشار، تهران: صبا.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۲). «حمایت‌ها و تضمینات حقوق بشر در حقوق داخلی و نظام بین‌المللی». *تحقیقات حقوقی*، ۶(۳۸): ۸۱-۱۱.
- هداوند، مهدی (۱۳۸۴). «حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر». *حقوق اساسی*، ۲(۴): ۵۱-۸۶.

ب. منابع انگلیسی

- Favoreu, L (1990). "Le droit constitutionnel, droit de la Constitution et constitution du droit." *Revue française de droit constitutionnel*, 1:71-89.
- Favoreu, L, Gaia, P; Ghexvontian, R; Mestre, J-L; Pfersmann, O, Roux, A & Scoffoni, G (2016). *Droit constitutionnel*. (19e Ed). Dallo.